

بازشناسی ویژگی‌های معماری اسلامی در روستای کریک سی سخت

Recognition of Islamic Architectural Features in Criack Village, Sisakht

■ کورش مؤمنی^۱، کورش عطاریان^۲، عیسی موسوی^۳

چکیده

روستای کریک از توابع شهرستان دنا واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد با مرکزیت یاسوج است. این روستا دارای اقلیم سرد و کوهستانی است که در شیب ملایم رشته کوه زاگرس قرار گرفته است. از جمله ویژگی‌های این روستا بافت متراکم و پلکانی است که به صورت طولی و در کنار رودخانه شکل گرفته است. از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری معماری این روستا می‌توان به توپوگرافی زمین، اقتصاد حاصل از معیشت، عوامل اقلیمی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم اشاره کرد. معماری روستای کریک به دو بخش معماری بافت قدیم (اصیل) و معماری بافت جدید (نوساز) تقسیم می‌شود. معماری اصیل به‌جای مانده از نخستین تمدن‌های این منطقه و این سرزمین بوده و معماری نوساز متأثر از معماری سایر اقوام و جوامع اطراف است. روش تحقیق در مرحله بررسی تاریخی و فرهنگ روستا به شیوه تاریخی-تفسیری است و در مرحله بررسی نمونه‌ها به شیوه میدانی و به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، مقالات الکترونیکی و در مرحله میدانی به شیوه مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و مشاهده است. در این مقاله معماری اصیل منطقه به صورت نمونه مورد بررسی شده و ساختار و معماری این روستا پس از معرفی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهند که معماری روستای کریک دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود است. این ویژگی‌ها عبارتند از بافت پلکانی و فشرده، ساختار همساز با اقلیم و زمینه، نحوه ذخیره انرژی با استفاده از چیدمان فضایی سکونتی و فضاهای خدماتی خانه و موقعیت استراتژیک روستا به لحاظ قرارگیری در دامنه رشته کوه زاگرس.

واژه‌های کلیدی: روستا، زاگرس، معماری کوهستانی، مسکن اسلامی، روستای کریک.

Email: K_momeni@jsu.ac.ir

Email: Attariank@gmail.com

Email: mousavi.eisa@jsu.ac.ir

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های انسان اولیه پیدا کردن سرپناه و جان‌پناه بوده است. با توجه به این دغدغه می‌توان چنین استنباط کرد که شرایط اقلیمی و آب و هوایی نقش مسلط و حتی تعیین‌کننده‌ای در شکل کلی مسکن دارد. روستا پدیده‌ای واحد و شامل اجتماعی از مردم است و تعیین شده‌ای دارند، و همین‌طور دارای باورها، اعتقادات و ارزش‌های ویژه هستند که در بستر جغرافیایی خاصی زندگی می‌کنند، است (Zargar, 2005).



شکل ۱. دیاگرام ارتباط متقابل عوامل مؤثر بر معماری کالبد روستا (مأخذ: Zargar, 2005)

می‌توان گفت که روستانشین با فهم عمیق و دقیق عناصر موجود در طبیعت و تغییرات شرایط آن، تمامی سعی خود را برای بهره‌برداری از امکانات طبیعی و انرژی بالقوه موجود در محیط به‌کار بسته است. روستانشینان از روش‌های هوشمندانه‌ای بهره می‌جویند که به کمک آن‌ها بتوان از اتلاف انرژی جلوگیری کرد (Zargar, 2005).

روستاهای نواحی کوهستانی ایران، در عین شباهت‌های معماری به یکدیگر دارای وجوه و تفاوت‌هایی در ساختار و کالبد معماری خویش هستند. روستای مورد بررسی در ناحیه کوهستانی زاگرس و در محدوده شهرستان سیسخت واقع گردیده است که در عین شباهت به دیگر نواحی کوهستانی ایران دارای ویژگی‌هایی از جمله بافت متراکم و پلکانی و همین‌طور نحوه کنار آمدن با بستر طرح، زمینه، اقلیم و فرهنگ است. ضمن اینکه این روستا به‌عنوان یکی از روستاهای هدف گردشگری استان یاسوج مورد توجه واقع گردیده است.

با توجه به ویژگی‌های عمومی روستاهای نواحی کوهستانی و مطابق آن‌ها با روستای مورد بررسی دو سؤال اساسی مطرح گردید. سؤال نخست: دلایل پلکانی شدن بافت این روستا، با در نظر گرفتن چه زمینه‌هایی تحقق پیدا کرده است؟ و همچنین سؤال دوم: استراتژی‌های بومی ساکنان بافت تاریخی روستا در تغییر خانه‌های مسکونی از قسمت کوهپایه‌ای به قسمت دشت هموار چه مواردی بوده‌اند؟

همچنین این‌طور به‌نظر می‌رسد که بومیان منطقه در قسمت کوهپایه‌ای با توجه به توپوگرافی و محدود بودن زمین، بافتی متراکم و پلکانی را ایجاد کرده‌اند. در این زمینه هدف این مقاله، بررسی و شناخت معیارهای معماری در روستای مورد نظر است.



شکل ۲. تصویری از بافت روستا که نشان دهنده برخوردارگانیک بافت با طبیعت پیرامون خود است (مأخذ: نگارندگان)

پیشینه تحقیق

کریک روستایی منحصر به فرد در نزدیکی شهرستان سیسخت است. این روستا بر اساس کتیبه‌ها و حجاری‌های دوران هخامنشی، بر سر راه تاریخی و مشهور سلطنتی شوش به تخت جمشید و بیسپور (حدود ۱۵ کیلومتری) قرار داشته است. در زمان حکومت هخامنشیان برای عبور کاروان‌های سلطنتی و ارتباط با نقاط و شهرهای مهم کشور راه شوسه‌ای آماده گردید که به شاهراه سلطنتی مشهور بود. این راه از میان چند استان امروزی از جمله کهگیلویه و بویراحمد و از کنار روستاهای مارین و کریک عبور می‌کرده است (هزاره ۴ ق.م). با توجه به حفاری‌های به‌عمل آمده در تپه‌های باستانی منطقه مانند تپه دم چنار این راه در ۳۰ کیلومتری روستا قرار دارد. گمان می‌رود مردمان این منطقه از دوران قبل از مهاجرت آریایی‌ها در این ناحیه

ساکن بوده و در دوران حکومت ماد و هخامنشی تحت اختیار این دولت‌ها درآمده‌اند. بر اساس حفاری‌ها و کاوش‌هایی که در ۲۰ تا ۲۵ کیلومتری این روستا در محوطه‌های باستانی به‌عمل آمده و کشف استودان‌ها و معابد زرتشتی زمان ساسانیان باید گفت تاریخ این روستا به‌طور مشخص و بر اساس اسناد مربوط به این دوران به ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ سال قبل باز می‌گردد، (Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization, 2004). آثار به‌دست آمده در شهرستان دنا (۲۰ کیلومتری روستا) شامل ابزارآلات کشاورزی و سرنیزه‌های مفرغی است. طبیعت زیبای منطقه و وجود دره‌های سرسبز و امکانات طبیعی عامل مهمی برای یکجانشینی مردم در آن بوده است.^۱



شکل ۳. موقعیت روستای مورد بررسی نسبت به روستاهای اطراف (مأخذ: Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization, 2007)

محدوده مطالعه

روستای کریک از توابع بخش مرکزی دنا در فاصله ۱۵ کیلومتری شهر سی‌سخت و ۲۵ کیلومتری مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد (یاسوج) قرار دارد. از لحاظ موقعیت؛ روستای کریک، از شرق با روستای عباس‌آباد، از شمال غرب با روستای دره چناری، از جنوب شرق با روستای تل گاوی، همسایه است. بخش غربی روستای کریک به رودخانه بشار محدود می‌شود. لازم به ذکر است که روستای کریک خود در برگیرنده هشت قسمت روستایی مجزا است که با آنها در ارتباط مستقیم بوده و در واقع جزو حوزه نفوذ تأثیرگذار این روستا به‌شمار می‌آیند. این هشت قسمت عبارتند از: روستای حسن‌آباد، عباس‌آباد، ده بزرگ، جنب مخابرات، ده مرکزی، معصوم‌آباد، علی‌آباد و اسلام‌آباد کریک که نزدیکترین بخش به روستای کریک است. روستای کریک در دامنه جنوب‌غربی کوه دنا واقع شده و از شمال به جنوب در امتداد رودخانه بشار کشیده شده است. روستای کریک در دامنه جنوب غربی کوه دنا واقع شده و از شمال به جنوب در امتداد رودخانه بشار کشیده شده است. شیب عمومی روستا نیز از شرق و شمال شرق به سمت غرب و جنوب غرب است. (Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization, 2007). این روستا در مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه ۲۵ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه ۴۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده، و ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۳۰۰۰ متر است.

مفهوم واژه لغوی کریک: از نام کریک تعابیر مختلفی می‌شود که عبارتند از کریک در معنای لغوی به‌معنای دره خوش آب و هواست، به تعبیری دیگر کریک در لغت به‌معنای میوه زلزالی است. با توجه به تعابیر گوناگون می‌توان چنین بیان نمود که این روستا به‌علت وجود باغ‌های متعدد به این نام خوانده شده است. مردم محلی این ناحیه، کریک را شهر یک به‌معنای شیرین شهر می‌دانند، (Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization, 2007).

روند توسعه کالبدی روستا

اولین لکه‌های سکونت در روستای کریک، در حاشیه رودخانه و امامزاده شکل گرفته‌اند که در مرحله دوم توسعه به‌صورت خطی در امتداد رودخانه گسترش یافته است و نهایتاً در مرحله سوم توسعه خود بر اساس رشد تدریجی به سمت ارتفاعات گسترش یافته است.

از مهمترین عوامل تأثیرگذار در گسترش کالبدی و شکل‌گیری روستای کریک می‌توان به‌وجود اعتقادات مذهبی نسبت به امامزاده، امکان تأمین منابع آب از طریق رودخانه و همچنین تپه‌ها و دره‌های حاصلخیز اطراف اشاره نمود که در کنار هم موجب گسترش و توسعه روستای کریک به شکل کنونی شده است. بافت قدیم روستای کریک با مصالحی از قبیل سنگ و خشت و چوب بنا شده است، این بافت دربرگیرنده بافت به‌هم پیوسته و فاقد حیاط است. در بناهای قدیمی تأمین فضاهای باز و نیمه‌باز از طریق ایوان و بالکن‌های سراسری است.

سازمان فضایی بافت روستا موردنظر به‌نحوی است که در قسمت‌های کوهپایه‌ای به‌صورت فشرده، پلکانی و متراکم است. از این رو ساکنین روستا در این قسمت به مزارع و کشتزارهای خود که در قسمت دشت واقع شده‌اند، اشراف کامل دارند.

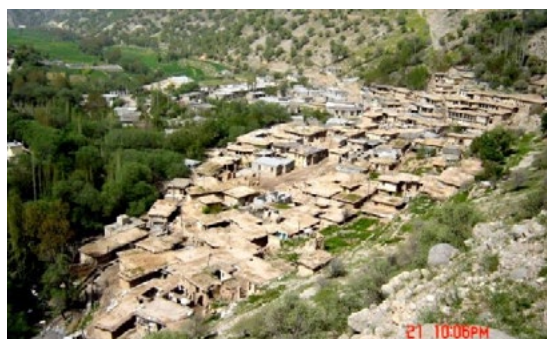


شکل ۵. توپوگرافی و موقعیت استراتژیک روستا نسبت به ارتفاعات اطراف (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۴. اولین لکه‌های سکونت در روستای مورد بررسی (مأخذ: Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization, 2007)

سازمان فضایی بافت روستا: روستای کریک، روستای خطی در حاشیه رودخانه است که از اطراف توسط ارتفاعات مجاور احاطه شده است.



شکل ۶. سازمان خطی و پلکانی بافت روستای مورد نظر (مأخذ: نگارندگان)

به‌طور کلی ساختار فضایی منطقه کریک، شامل لایه ارتفاعات، لایه بافت روستایی و لایه رود دره است که در بخش شمالی و جنوبی خود را به ارتفاعات می‌رساند. این نحوه چیدمان فضایی ضامن بقای اهالی روستا با استفاده از منابع طبیعی و امکان زراعت و باغداری است.

ویژگی‌های معماری

بافت پلکانی: روستای کریک دارای بافت فشرده و پلکانی شکل است که در دامنه رشته کوه‌های زاگرس قرار گرفته شده است. بافت فشرده و پلکانی سبب شده است که سقف هر خانه، حیاط خانه بالایی خود شود. به‌نحوی که در زمستان از اتلاف حرارت جلوگیری می‌کند و به‌دلیل جهت‌گیری مناسب در تابستان کمتر در معرض تابش نور خورشید قرار می‌گیرد.



شکل ۷. بافت پلکانی و فشرده روستای کریک (مأخذ: نگارندگان)

همان‌طور که ذکر شد، زمین این روستا دارای شیبی است که اهالی روستا به‌خوبی در ساخت خانه‌های خود از آن بهره گرفته‌اند و ساختار معماری روستا را بر این پایه بنا نهادند. مکان‌یابی، شکل کلی مسکن و بافت کلی روستا نیز رابطه تنگاتنگی با نوع معیشت و شکل تولید و منابع اقتصادی آن دارد. بافت قدیم روستای کریک با مصالحی از قبیل سنگ و خشت و چوب بنا شده است، این بافت دارای ساختار به‌هم پیوسته و فاقد حیاط است. در بناهای قدیمی تأمین فضاهای باز و نیمه‌باز از طریق ایوان و بالکن‌های سراسری است.



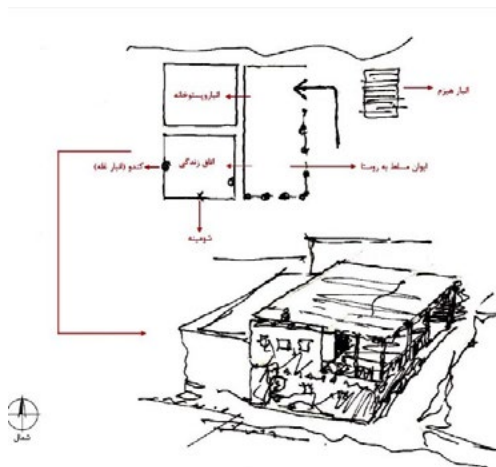
شکل ۸. شکل کلی مسکن و بافت کلی روست (مأخذ: نگارندگان)

با توجه به نزدیکی به رودخانه و مجاورت با ارتفاعات، اکثر بناها در این بافت دو طبقه هستند که فضای طبقه پایین به فضاهایی همچون آغل حیوانات، آشپزخانه، سرویس‌های بهداشتی اختصاص یافته و فضاهای اصلی زندگی به‌همراه ایوان و بالکن‌ها در طبقه بالا مستقر می‌باشند.



شکل ۹. نمونه‌ای از بناهای دو طبقه در روستای کریک (مأخذ: Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization, 2007)

فضاهای داخلی این بناها مشتمل بر یک یا دو اتاق است که یکی به‌عنوان انبار و دیگری به فضای زندگی اختصاص می‌یابد. تعبیه کندو به‌عنوان انبار غلات و استفاده از اجاق‌هایی در کنار خانه برای ایجاد گرما در فضا از دیگر اصول معماری خانه‌های قدیمی در روستای کریک هستند.



شکل ۱۰. نمونه‌ای از الگوی مسکونی در روستای کریک (مأخذ: Housing and Urban Planning Organization, 2001)

تأثیر اقلیم بر معماری روستا

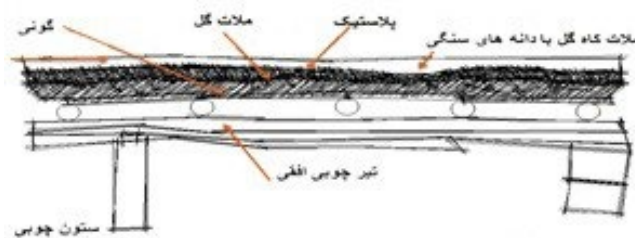
- ۱- کشیدگی غالب خانه‌ها در جهت شرقی-غربی است تا طول بیشتری از ساختمان در برابر نور جنوب قرار گیرد.
- ۲- در اکثر خانه‌ها جبهه اصلی بخش زیستی ساختمان رو به جنوب و یا با چرخش از آن به سمت شرق و غرب کشیده شده است که خود نشان از اهمیت نورگیری و بهره‌مندی از تابش خورشید در اقلیم سرد منطقه دارد؛ و بازشوها نیز غالباً در این جبهه واقع‌اند.
- ۳- فضای سرپوشیده ایوان در غالب خانه‌ها به‌عنوان فضای رابط، میان فضای باز حیاط و فضای بسته ساختمان در جهت تعدیل حرارتی و محافظی در برابر ریزش‌های جوی عمل می‌کند. این فضا در تابستان به‌عنوان نشیمن خنک به کار می‌رود.

- ۴- در اکثر بناها از ارتباط مستقیم بنا با سطح زمین تا جای ممکن خودداری شده است. استفاده از سکو و یا فضای زیرزمین، انبار و یا طویله در زیر بنا به حفظ حرارت بنا و نیز جلوگیری از نفوذ رطوبت سطح زمین به داخل کمک می‌کند.
- ۵- ارتفاع کم سقف و نیز تعداد طبقات کم، موجب می‌شود که بنا هر چه کمتر در برابر باد نامطلوب قرار گیرد و حرارت از دست بدهد.
- ۶- استفاده از بازشوی کوچک و تعداد کم بازشوها راه‌حل دیگری در برابر اقلیم سرد منطقه است. همچنین نحوه قرارگیری بازشوها به گونه‌ای است که از ایجاد کوران در فضای داخلی جلوگیری کند.
- ۷- استفاده از مصالح بومی سنگ و خشت و دیوارهای قطور به دلیل ظرفیت حرارتی بالا و ضریب انتقال حرارتی پایین، تبادل حرارتی داخلی و خارج را به حداقل می‌رساند.
- ۸- استفاده از چوب در ساخت در و پنجره‌ها به علت رسانا نبودن آن، موجب می‌گردد که حرارت به‌کندی منتقل شود (Hoseini et al., 2011, 23-25).
- ۹- جهت‌گیری ساختمان‌ها به گونه‌ای است که ساختمان‌ها رو به جنوب هستند، تا هم از نور جنوب استفاده کنند و هم از بادهای مزاحم در امان باشند. ناگفته نماند که پنجره‌ها و منافذ ساختمان‌ها به‌علت سرما کوچک در نظر گرفته شده‌اند. می‌توان در شکل با قاعده بنا انعکاس تناظرات آن با مراتب وجود الهی را مشاهده کرد. در این صورت قسمت چندضلعی بنا متناظر چهره‌های صفات الهی (الصفه) و گنبد متناظر با «وحدت» کثرت ناپذیر است. (MohammahHejazi, 2000, 237).



شکل ۱۱. نحوه چیدمان فضای داخلی (مأخذ: Housing and Urban Planning Organization, 2001)

مصالح بومی و اجزای ساختمان: سقف خانه‌های این روستا صاف و یکنواخت است که از مصالحی چون تیر چوبی و کاهگل ساخته شده است. ایجاد بام‌های تیرپوش و بدون دست‌انداز که هم کار برف‌روبی را ساده‌تر می‌کند و هم امکان تابش بیشتر خورشید را می‌دهد. اکثر دیوارهای داخلی خانه‌ها از خشت هستند و دیوارهای خارجی از ملات گل و سنگ که مقاومت بیشتری دارند. اندود داخلی خانه‌ها پلاستر گچ است و پوشش خارجی آن پوشش کاهگل است.



شکل ۱۲. جزئیات اجرای سقف در روستای مورد نظر (مأخذ: Habibi, 1989)

خاک: عمده‌ترین مصالح به‌کار رفته در روستاها، خاک است. ماده اساسی تشکیل دهنده خاک، ذرات ریز رس است که پس از خیس شدن در آب حالت چسبندگی پیدا می‌کند. انتخاب خاک مناسب بستگی به نوع مصرف آن در ساختمان دارد. به‌طور کلی هر چه میزان رس موجود در خاک بیشتر باشد، خاک مرغوبیت بیشتری دارد. گونه‌های مختلف استفاده از خاک: از خاک به صورت‌های گوناگون از جمله مصالح باربر، پرکننده، ملات و اندود استفاده می‌شود. در مورد استفاده از خاک به‌عنوان مصالح باربر، می‌توان خشت و آجر را نام برد. از خاک به‌صورت گل سفعت قبل از اندود کاری استفاده می‌کنند.

سنگ: به علت کوهستانی بودن منطقه سنگ به وفور یافت می‌گردد (Hoseini et al., 2011, 23-25).

اقتصاد حاصل از کشاورزی: به این نکته باید توجه داشته باشیم که هزینه ایجاد سرپناه در مناطق گوناگون یکسان نیست و بستگی به نوع ساختمان‌های رایج و در دسترس بودن مصالح دارد. در قالب روستا به دلیل دسترسی مصالح در محل، هزینه ساختمان پایین است. مخصوصاً که سنت‌های بومی مشارکت جمعی روستاییان در مراحل اجرا و برپایی بنا نیز غالباً وجود دارد که کار را در حد زیادی تسهیل می‌کند. در مناطقی که افراد درآمد مطلوبی دارند و قدرت اختصاص رقم بالایی از درآمد خود را برای مسکن داشته‌اند، عملاً با خرید و انتقال مصالح کاملاً شهری و استخدام استادکار، مسکنی مقاوم و با ظاهری کاملاً شهری در روستا بنا کرده‌اند. روستای کریک با توجه به منابع اقتصادی و بنیه اقتصادی خانوارها جزء روستاهای کم‌درآمد است که خانه‌ها در این روستا ساده و بدون آلاش و به دور از صرف هزینه‌های گزاف است. بیشتر درآمد مردم این روستا از فعالیت‌های زراعی، دامداری و باغداری و تولید صنایع دستی تأمین می‌شود. البته ناگفته نماند که دام‌ها فقط به تعدادی است که نیاز خود خانواده را تأمین کند. این روستا بر حسب نوع زندگی و ساختار روستاها از نوع قبیله‌ای و ایلی بوده که این قبیله‌ای بودن باعث شده است که اهالی روستا شناخت کاملی نسبت به همدیگر داشته باشند و همین موضوع در معماری این منطقه بی‌تأثیر نبوده و به نوعی باعث به وجود آمدن نوعی واحد همسایگی روستایی از نوع اقوام و فامیل شده است. به عبارت دیگر هر شخص پس از ازدواج و مستقل شدن، خانه‌ای می‌سازد در کنار خانه پدری و فامیل خود که این روند ادامه دارد تا یک واحد همسایگی فامیلی ایجاد شود و در این بین خیلی از عناصر و فضاهای معماری مشترک هستند، از جمله این فضاها عبارتند از: حیات، حمام‌ها، توالت، طویله و هیزم خانه که به صورت نیمه عمومی استفاده می‌شوند.

امنیت و معماری: چون اهالی روستا یکجانشین بودند، همواره در خطر غارت کوچ‌نشینان و سایر اقوام قرار داشته و همین‌طور پیوسته در حال مقابله با سرما و شرایط جوی نامناسب بوده‌اند این مخاطره‌ها باعث به وجود آمدن فشردگی بافت، گذرگاه‌ها کم‌عرض و قرار گرفتن بازشوه‌های کوچک و کم‌عرض در بالای بدنه ساختمان‌ها شده است؛ به نحوی می‌توان گفت که این فشردگی و تراکم عکس‌العملی بوده به شرایط حاکم بر منطقه. این روستا بین کوه و رودخانه قرار گرفته است، این ساختار مانند حصاری است در اطراف روستا و یک امنیت نسبی را برای روستا ایجاد می‌کند.

تحلیل و بررسی الگوهای رایج در بافت تاریخی روستا مورد بررسی

جدول ۱. بررسی الگوهای رایج در بافت تاریخی روستا (مأخذ: نگارندگان)

بررسی الگوهای رایج در بافت تاریخی روستا		
الگوی ا شکل	الگوی L شکل	الگوی U شکل
		

الگوی فضایی - عملکردی

۱. بیشتر خانه‌ها دارای فضای دام هستند و ورودی مشترک به حیاط دارند.
۲. تقریباً بیشتر بناهای روستایی دوطبقه‌اند و بقیه بناها یک طبقه.
۳. از نظر نحوه جای‌گیری، فضاهای پر و خالی (بنا و حیاط)، اکثراً به صورت یک‌طرفه و یا دوطرفه هستند و گونه‌شناسی فضای سرپوشیده (ایوان) از سه فرم غالب تبعیت می‌کند: یک‌طرفه، دوطرفه (فرم L) و در مواردی نیز سه‌طرفه (فرم U).
۴. تقریباً همه خانه‌ها در این روستا، فاقد آشپزخانه مستقل هستند و عملکرد پخت‌وپز در داخل فضای زیستی صورت می‌گیرد.
۵. فضاهای نشیمن، ایوان، انبار یا پستو اصلی‌ترین فضاهای عملکردی در بخش زیستی‌اند؛ اتاق نشیمن غالباً چندعملکردی است و اصلی‌ترین فضای بنا را تشکیل می‌دهد.
۶. فضای انبار با کاربری‌های نگهداری هیزم، کاه و علوفه، محصولات باغ و کشاورزی و نظایر اینها در خانه‌ها وجود دارد.
۷. در الگوی خانه‌های بررسی شده فضای مستقلی برای پذیرایی از مهمان وجود ندارند و در آنها از نشیمن به‌عنوان فضای خصوصی و عمومی استفاده می‌شود.
۸. سرویس بهداشتی معمولاً در حیاط قرار دارد و یا به صورت مشترک بین چند خانه استفاده می‌شود.
۹. در اکثر موارد بررسی شده خانه‌ها دارای طاقچه‌اند که هم برای تزئین به کار می‌رود و هم برای قراردادن لوازم و نیز سبک کردن بار دیوارهای باربر.
۱۰. بافت روستای کریک، بافتی برون‌گرا است. این بدان معنی است که در سطح روستا فضاهای نیمه‌باز و بازشوها یکی از عناصر اصلی بناهای مسکونی است.

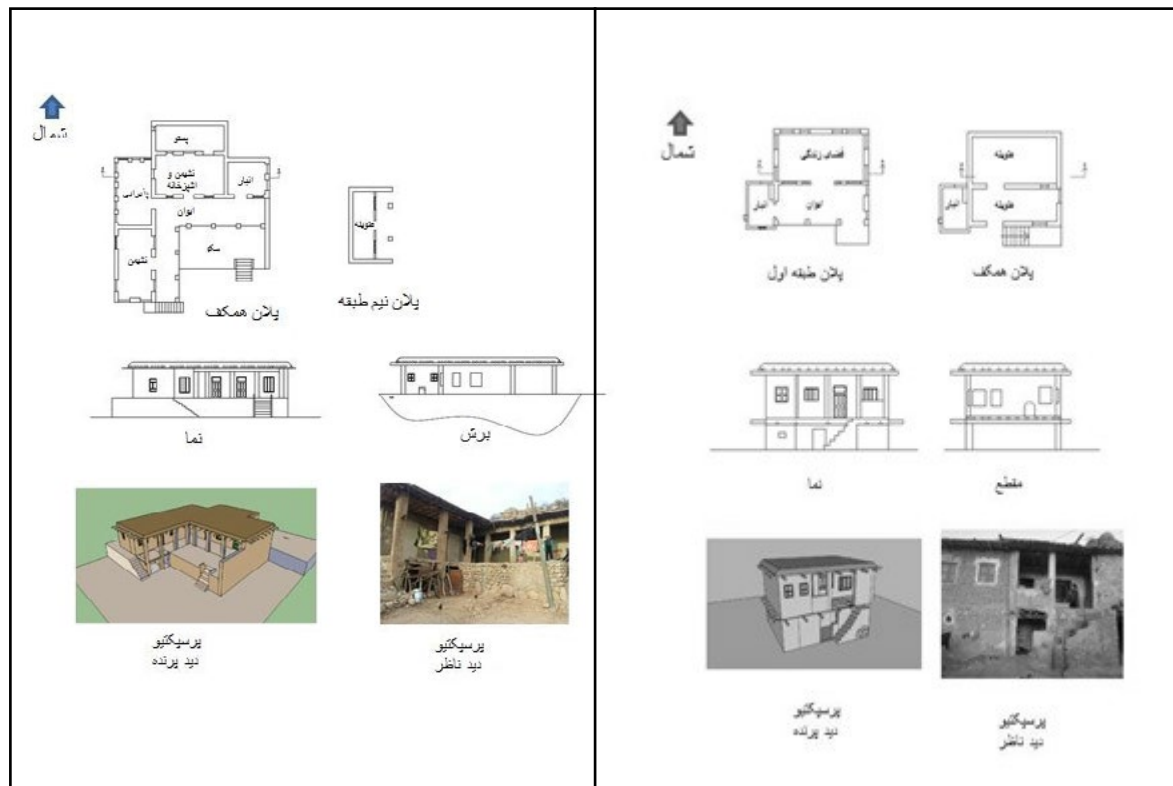


شکل ۱۳. نقوش موجود بر روی سنگ قبر در روستای مورد نظر (مأخذ: نگارندگان)

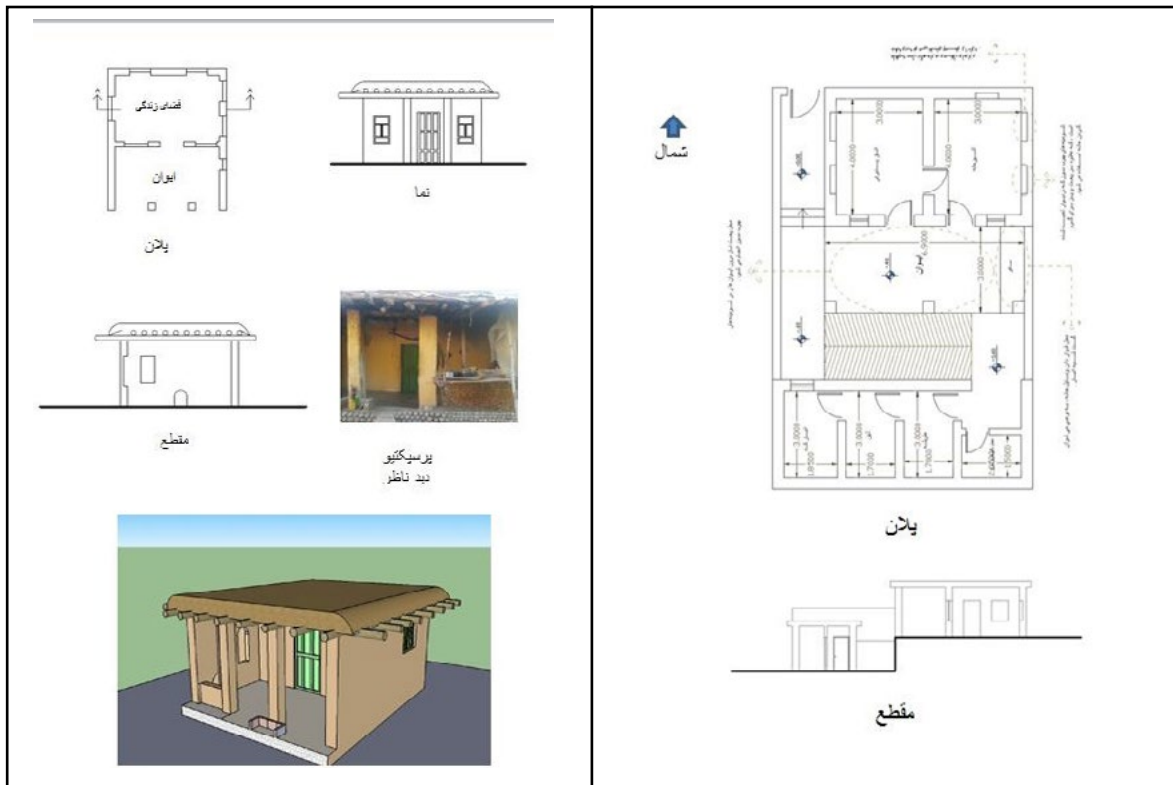
۱۱. همه خانه‌ها دارای شومینه‌های چوب‌سوز است که درون دیوار تعبیه شده است و برای پخت‌وپز و گرم کردن خانه‌ها استفاده می‌شود.
 ۱۲. محل پخت نان درون ایوان‌ها و درون شومینه‌های چوب‌سوز (به گویش مردم بومی چاله) انجام می‌گیرد.
 ۱۳. در ورودی اکثر خانه‌ها در سمت جنوب رو به آفتاب یک ایوان تعبیه شده است. ایوان یکی از عناصر اصلی در شکل‌گیری خانه‌ها در این روستا است، به گونه‌ای که جزء جداناپذیری از فضای معماری محسوب می‌شود. علاوه بر اینکه فضای چندمنظوره است و فعالیت‌های گوناگون در آن شکل می‌گیرد به عنوان پیش‌فضایی برای ورود به خانه‌ها استفاده می‌شود.
 ۱۴. در کل بافت مسیرهای دسترسی به واحدهای مسکونی از معبر اصلی روستا فاصله کمی دارد و تمامی بناها علاوه بر استفاده از نور طبیعی بر تغییر و تحولات عرصه عمومی نیز به واسطه وجود ایوان‌ها مسلط هستند.
 ۱۵. به‌طور کلی پلان خانه‌های مناطق سردسیر به گونه‌ای شکل می‌گیرد که ارتباط با فضاهای اصلی از طریق یک فضای رابط یا واسطه راهرو انجام می‌شود و اتلاف انرژی ناشی از باز و بسته کردن در اتاق‌ها به حداقل برسد. (Zargar, 2005)

۱۶. اختصاص طبقه زیرین به دام‌ها دارای دو هدف است: ۱- جدا کردن کف اتاق از زمین ۲- استفاده از گرمای بدن حیوانات (Zargar, 2005).
 ۱۷. گورستان: این روستا دارای یک قبرستان کهنه است که در این قبرستان سنگ قبرهایی با قدمت بیش از صد سال وجود دارد که نقوش روی سنگ قبرها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این نقوش از نوع جنسیت و پیشینه و مشخصات متوفی خبر می‌دهد.

جدول ۲. تحلیل نمونه‌هایی از الگوهای رایج مسکن در روستای کریک (مأخذ: نگارندگان)



ادامه جدول ۲. تحلیل نمونه‌هایی از الگوهای رایج مسکن در روستای کریک (مأخذ: نگارندگان)



نتیجه‌گیری

شناخت الگوهای معماری بومی در مناطق مختلف کشور و نحوه ایجاد و تداوم این الگوها در طول سالیان طولانی، دلیل به وجود آمدن این تنوع بافت و الگوها در معماری روستایی شده است. از این رو معماری ناحیه زاگرس در استان کهگیلویه و بویراحمد، دارای شاخص‌های متنوع و منحصر به فردی بوده است. بر پایه مطالعات انجام شده برخی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری معماری این روستاها را می‌توان این گونه بیان نمود: توپوگرافی زمین، اقتصاد حاصل از معیشت، عوامل اقلیمی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم. نتایج نشان می‌دهند که معماری روستای کریک دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود است، این ویژگی‌ها عبارتند از، بافت پلکانی و فشرده، ساختار همساز با اقلیم و زمینه و موقعیت استراتژیک روستا به لحاظ قرارگیری در دامنه رشته کوه زاگرس.

پی‌نوشت‌ها

۱. جهت اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: طرح مطالعات راهبردی-ساختاری گردشگری روستایی کشور (چهل روستای منتخب)؛ (۱۳۸۶)، روستای کریک استان کهگیلویه و بویراحمد، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

فهرست منابع

- Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism Organization (2007) *Structural and Developmental Studies in Rural Tourism of Country (40 Case Studies); Cariak Village, Kohkiluyeh va Boyer Ahmad*, Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Publications, Tehran.
- Zand, A (2005) *An introduction to the Iranian: rural architecture*, Shahid Beheshti University Publications, Tehran.
- Habibi, S. M (1989) *Typology of Rural Housing in Koh Kiloyeh va Boyer Ahmad, Third Caption: Building Material and Construction Systems*, Markaz Publication, Tehran.
- Hashem Nejad, H. and Molanaei, S. (2008) "Architecture with a View through Sky, Rural Settlements- Specific structure in rural Zagros (Kordestan Region)," *Honar ha ye Ziba Journal*, No 36, pp. 17-26.
- Hoseini, S.B.; Ziaee, M.; Haghshenas, M.J.; Mahdiyar, L. & Hoseini, M. (2011) "Vernacular Architecture in Settle-

ments of Taleqan Valley," *Name Memari-va-Shahrsazi*, No. 7, pp. 5-23.

- Housing and Urban Planning Organization (2001) *Restoration and Rehabilitation of Precious Village of Cariak*, Housing and Urban Planning Organization, Yasooj.